

تشیع و جایگاه سنت

آیت الله سید مرتضی عسکری



اشاره

سنت و سیره پیامبر و دیگر معصومان همواره در بسیاری از ابعاد زندگی مسلمانان مورد استفاده قرار گرفته است و این بهره‌مندی از همان آغاز پیدایش اسلام و حضور پیامبر و امامان وجود داشته است و حدیث و سنت و سیره پیامبر و معصومان دیگر ارزش و قداست فراوانی نزد مسلمانان دارد که ارزش و اهمیت آن بر هیچ کس پوشیده نیست.

این نوشتار تحت عنوان «جایگاه سنت نزد تشیع» به قلم آیت الله مرتضی عسکری به زبانی شیوا حدیث را از دیدگاه حضرت رسول (ص) و ائمه اطهار (ع) مورد کنکاش قرار داده است.

علامه عسکری شخصیت برجسته جهان تشیع آفرون بر موقعیت خاص علمی، از ویژگی‌های برخوردارند که در دیگر گویندگان و محققان بندرت می‌توان یافت و آن انتخاب موضوعات بدیع و علمی و قدرت نفوذ و تأثیری است که خواننده را وادار به شگفتی و تحسین می‌کند.

آنچه در پی می‌آید متن مقاله‌ای است که در همایش مودت اهل بیت که در تاریخ ۲۸ و ۲۹ مهرماه در سنج برگزار شد، ارائه گردیده است. بنا بود علامه عسکری در همایش یادشده درباره این مقاله سخنرانی کنند اما به علت کسالت جسمانی و به رغم اشتیاق وافر ایشان، پزشکان وی را از حضور در همایش منع کرده‌اند. در ذیل متن مقاله استاد از نظر می‌گذرد:

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلاة على خاتم
الانبياء والمرسلين وعلى آله الطيبين واصحابه
المنتجبين .

سلام بر شما دانشمندان مسلمان

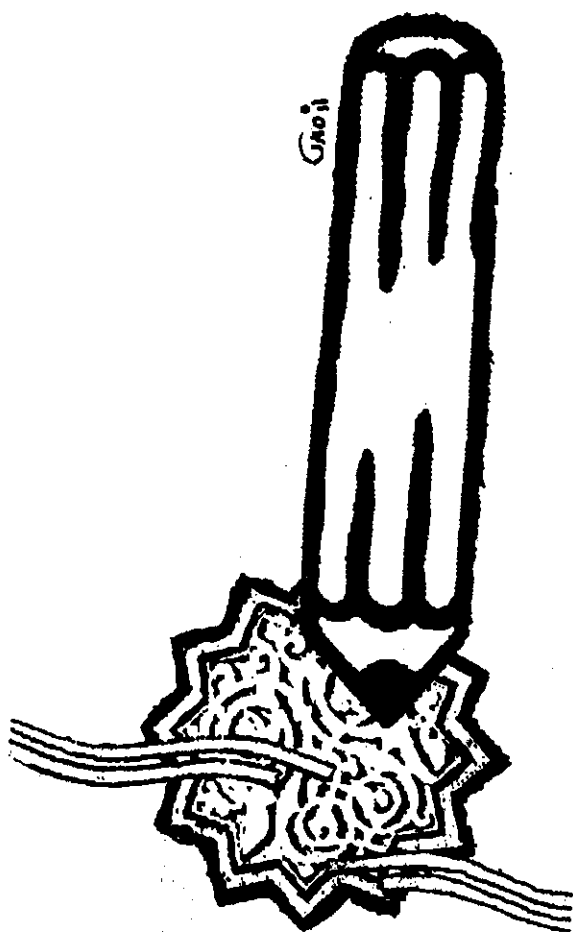
بعد از سلام، می گویم: پیروان مکتب اهل بیت (ع) یعنی شیعیان دوازده امامی به فرمان خداوند متعال که می فرماید: «ما آتاكم الرسول فخذوه و ما نهاكم عنه فانتهوا» (سوره الحشر/ ۷) آنچه را پیامبر برای شما آورده بگیرید و از هر چه بازتان داشته باز ایستید و پس از کتاب خدا، همه معارف و احکام اسلام را از سنت رسول الله می گیرند. گویاترین دلیل این است که، فقها از ابتدای قرن چهارم هجری تا به حال، احکام شرع اسلام را از کتاب الله و سنت پیامبر (ص) استنباط و بیان می کنند و در این باره به کتب اربعه: کافی، من لایحضره الفقیه، استبصار و تهذیب مراجعه می نمایند. کتابهایی که مؤلفان شان روایات آنها را از کتابهای کوچکتری به نام (اصول) برگرفته اند.

(اصل) در اصطلاح محدثان مکتب اهل بیت تألیفی روانی است که مؤلف آن، روایاتش را مستقیماً از امامان اهل بیت (ع) گرفته است و امامان مکتب اهل بیت (ع) نیز، آشکارا فرموده اند: ما هر چه را روایت می کنیم از حدیث رسول الله می گیریم! چنانکه شخصی از امام صادق (ع) مسأله ای پرسید و پس از دریافت پاسخ خود، گفت: اگر مسأله چنینی و چنینی باشد نظر شما درباره آن چیست؟ امام (ع) فرمود: بس کن! آنچه من به تو پاسخ دادم از رسول خدا بود، ما از پیش خود چیزی نمی گوئیم. (۱)

در روایت دیگری فرموده: هرگاه در موضوعی پاسخ دادم، آن پاسخ از رسول خداست، ما هرگز رأی شخصی خود را نمی گوئیم! (۲)

همچنین راوی از امام رضا (ع) می پرسد: آنچه شما می گوید از کتاب خدا و سنت رسول است یا از اجتهاد شخصی خودتان؟ امام (ع) در پاسخ فرمود: آنچه ما می گوئیم از کتاب خدا و سنت پیامبر است. (۳)

در روایتی دیگر به نقل از امام صادق (ع) آمده است: ما اگر پاسخ مسائل مردم را با نظر شخصی خود می دادیم از هلاک شدگان بودیم! نه چنان نیست! بلکه آثاری برجای مانده، از رسول خداست. علمی بنیادین که از نیاکان خود، پسر از پدر به ارث می بریم و همانند مردمان که طلا و نقره خود را می اندوزند ما نیز آن علوم را پاس می داریم. (۴) در روایت دیگری با سه سند از امام باقر (ع) است که فرمود: اگر ما به رأی خود می گفتیم گمراه شده بودیم، همانند کسانی که پیش از ما گمراه شدند! نه چنین نیست، بلکه ما با برهان پروردگارمان سخن می گوئیم، برهانی که



* امامان اهل بیت (ع) فرموده اند:

هرگاه حدیثی را از قول ما برای

شما روایت کردند و با کتاب خدا

مخالف بود آن را به دیوار

بکوبید.

نیست، بلکه حدیث رسول الله است. می پرسید: چگونه با فاصله زمانی از رسول خدا (ص) روایت می کردند؟ پاسخ این سؤال را در روایات زیر که درباره علوم رسول خدا و چگونگی تعلیم آن به امام علی (ع) رسیده می یابیم:

۱- در پنج روایت از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: خداوند همه حلال ها و حرام ها و تأویل معانی را به رسول خود آموخت، و رسول خدا (ص) نیز، همه علوم خود را به علی (ع) آموزش داد. (۵)

۲- امام صادق (ع) فرمود: خداوند متعال همه قرآن را به پیامبرش آموخت.

و علاوه بر آن علوم دیگری را نیز به آن حضرت آموخت، و هر چه را خداوند به رسول الله (ص) آموخت، پیامبر آن را به علی (ع) آموزش داد. (۶)

۳- امام علی بن ابی طالب (ع) فرمود: من چنان بودم که هرگاه از رسول خدا (ص) سؤال می کردم، پاسخ می فرمود، و اگر سؤالات به

پروردگار ما آن را برای پیامبرش بیان فرموده و آن حضرت نیز آن را برای ما بیان کرده است. (۷)

همانند این روایت از امام صادق (ع) نیز رسیده که فرمود: اگر چنین نبود یعنی اگر برهان الهی نداشتیم و به پیامبر پیوسته نبودیم، یقیناً همانند این مردم بودیم! (۸)

در احادیث گذشته امامان اهل بیت (ع) آشکارا بیان داشتند که آنچه می گویند دیدگاه شخصی آنان

پایان می‌رسید، آن حضرت به آموزش می‌پرداخت، هیچ‌آیه‌ای بر او نازل نگردید در شب یا در روز مگر آنکه بر من تلاوت فرمود و آن را به من تعلیم داد، درباره آسمان بود یا زمین، دنیا بود یا آخرت، بهشت بود یا جهنم، دشت بود یا کوه، روشنی بود یا ظلمت، هر چه بود همه را به من آموزش داد و بر من املا فرمود، تا با دست خود آن را نوشتم و تأویل و تفسیر و محکم و متشابه و خاص و عام آن را همراه با چگونگی نزول و محل نزول و اینکه درباره چه کسی نازل شده تا روز قیامت همه را به من آموخت. و از خداوند برایم درخواست کرد تا فهم و فراگیری به من عطا نماید، پس هیچ‌آیه‌ای از کتاب خدا را فراموش نکردم و هیچ‌آیه‌ای در باره کسی نازل نشد مگر آنکه پیامبر (ص) آن را بر من املا فرمود^(۹).

۴- در روایت دیگری فرمود: هرگز خواب بر من چیره نشد و پیامبر (ص) مأموریتی به من ابلاغ نفرمود، مگر آنکه هر چه جبرئیل در آن روز از حلال و حرام آورده بود، از رسول‌الله (ص) فرا گرفتم. . . . برخی از او پرسیدند: این کار چگونه ممکن است در حالی که آن دو گاهی از یکدیگر جدا بودند، امام چگونه می‌فهمید چه بر رسول خدا نازل شده است؟ پاسخ شنیدند: روزهای غیبت رسول خدا (ص) گاه شماری و یادداشت می‌شد و چون به هم رسیدند، رسول‌الله (ص) می‌فرمود: ای علی! در فلان روز این مطلب بر من نازل گردید، و همه را یک‌یک بر می‌شمرد تا به روز ملاقات می‌رسید^(۱۰).

۵- در طبقات ابن سعد آمده که، به امام علی (ع) گفته شد: چگونه است که تو از سایر صحابه رسول خدا بیشتر حدیث می‌گویی؟ فرمود: من چنان بودم که اگر از پیامبر (ص) می‌پرسیدم آگاهم می‌کرد، و اگر ساکت می‌شدم او خود شروع می‌فرمود^(۱۱).

۶- در روایت دیگری در طبقات ابن سعد آمده است که آن حضرت فرمود: به خدا سوگند هیچ‌آیه‌ای نازل نشد مگر آنکه دانستم درباره چه کسی نازل شده، و در کجا نازل شده، و بر چه کسی فرود آمده، همانا پروردگارم به من قلبی آگاه و زبانی روان بخشیده است^(۱۲).

۷- و در سه روایت دیگر فرمود: درباره کتاب خدا از من پرسید زیرا هیچ‌آیه‌ای نیست مگر آنکه دانسته‌ام در شب نازل شده یا در روز، در دشت نازل شده یا در کوهستان^(۱۳).

۸- در سنن نسائی و ابن ماجه و مسند احمد حدیث ذیل آمده است که ما آن را از نسائی می‌آوریم که امام (ع) فرمود: من در نزد رسول خدا (ص) جایگاهی داشتم که هیچ‌یک از مردم نداشتند، من همیشه در سحرگهان به نزد او می‌رفتم و می‌گفتم: درود بر تو ای نبی خدا! اگر- تنحج- شبه سرفه می‌فرمود به خانه باز می‌گشتم

است که رسول خدا به او فرموده: آنچه بر تو املا می‌کنم بنویس عرض می‌کند: ای رسول خدا! آیا می‌ترسی فراموشم گردد؟ فرمود: من از فراموشی بر تو بیمناک نیستم، من از خدا خواسته‌ام تو را نگه دارد و چیزی را فراموشت نگرداند، ولی برای شریکانت بنویس امام می‌گوید، گفتم: شرکای من کیانند ای رسول خدا! فرمود: امامان از فرزندان^(۱۷).

نام کتاب امام علی (ع):

۱- این حدیث از امام صادق (ع) است که فرمود: آگاه باشید! به خدا سوگند نزد ما چیزی است که از مردمان بی‌نیازمان می‌کند، ولی مردم نیازمند ما هستند. نزد ما کتابی است که از املائی رسول خدا (ص) و دستخط علی (ع) تألیف گردیده. صحیفه‌ای به درازای هفتاد ذراع که همه حلال‌ها و حرام‌ها در آن است^(۱۸). «امامان» فرزند امام علی (ع) این کتاب را «جامعه» نامیده‌اند.

۲- امام صادق (ع) فرمود: «جامعه» نزد ماست، صحیفه‌ای که درازای آن هفتاد ذراع با ذراع رسول‌الله و املائی است که از دولاب مبارکش صادر و با دست علی (ع) نگارش یافته، همه حرام‌ها و حلال‌ها و هر چه مردم نیازمندند حتی دیه خراش هم در آن هست^(۱۹).

۳- در روایت دیگری فرمود: در پوستی است پیچیده به ضخامت زان شتر دو کوهانه، هر چه مورد نیاز مردم باشد در آن هست^(۲۰).

۴- و در روایت دیگری فرمود: جامعه جای اشکال برای کسی باقی نگذاشته است علم حلال و حرام همه در آن است، پیروان قیاس از راه قیاس در پی علم شدند و جز دوری از علم بهره‌ای نبردند، دین خدا با قیاس شناخته نمی‌شود^(۲۱).

امامان (ع) کتاب‌ها را دستگردان می‌کنند

۱- امام صادق (ع) فرمود: کتاب‌ها نزد علی (ع) بود، هنگامی که به سوی عراق رفت آنها را نزد ام سلمه به امانت سپرد، علی (ع) که از دنیا رفت نزد حسن (ع) بودند، حسن (ع) که از دنیا رفت، نزد حسین (ع) بودند، حسین (ع) که از دنیا رفت، نزد علی بن الحسین و پس از او نزد پدرم امام باقر (ع) بودند^(۲۲).

۲- درباره رسیدن کتاب‌ها به دست امام علی بن الحسین (ع) در روایتی آمده است: هنگامی که حسین (ع) به سوی عراق می‌رفت کتابها و وصیت پیامبر را به ام سلمه زوجه پیامبر (ص) سپرد و به او فرمود: هرگاه فرزند بزرگترم نزد تو آمد، این امانت را که به تو سپردم به او بده. حسین (ع) که شهید شد، علی بن الحسین (ع) نزد ام سلمه آمد و ودیعه سیدالشهداء را به وی بازگرداند^(۲۳).

۳- درباره رسیدن کتاب‌ها به دست امام باقر (ع) در روایت دیگری گفته شده است که: امام علی بن الحسین (ع) در بیماری وفات خویش و در حالی که همه فرزندان حاضر بودند پس از

* حوزه‌های علمیه، باب بحث

علمی را در هیچ یک از دوران

نپسته‌اند، بلکه تلاش همیشگی

آنان در طول تاریخ بر آن بوده تا

حدیث را از دو جنبه - سند و

متن - مورد بررسی قرار دهند.

وگرنه وارد می‌شدم (۱۴).

۹- در روایت دیگری فرمود: اگر آن حضرت را آماده می‌یافتم به من اجازه می‌فرمود^(۱۵).

۱۰- و در روایت دیگری فرمود: من با رسول خدا - هر روز- دوبار وقت ملاقات داشتم: یکی در شب و دیگری در روز و چنان بود که هرگاه در شب وارد می‌شدم - تنحج- شبه سرفه می‌فرمود^(۱۶).

۱۱- در روایت دیگری از قول امام (ع) آمده

بود.

فقهای مکتب اهل بیت و نقد روایات:

بدینگونه جامعه امام علی(ع) از املائی خاتم انبیا(ص) گرفته شده و از آن- با روایت امامان اهل البیت- در اصول حدیثی نقل شده و از اصول حدیثی، کافی و استبصار و تهذیب و من لایحضره الفقیه تدوین گردید. و پس از آن رساله های عملیه فقهای این مکتب از آن چهار کتاب اخذ شده است.

با این وجود، فقهای مکتب اهل بیت(ع) جز قرآن، هیچ کتاب دیگری را صدرصد و درست صحیح نمی دانند، و سند هر حدیث و متن آن را در هر کتابی که باشد مورد بررسی قرار می دهند و به نتیجه بررسی خود استناد می کنند مثلاً احادیث

۳- عبدالملک بن اعین که گفته است: امام باقر(ع) بخشی از کتاب علی(ع) را به من نشان داد. . . .^(۳۲)

امامان اهل بیت(ع) و اسناد پیوسته به رسول الله(ص):

۱- امام باقر(ع) به جابر که از آن حضرت خواست تا هرگاه حدیثی برایش می گوید سند آن را بیسان دارد، فرمود: پدرم از جدم از رسول الله(ص) از جبرئیل از خدای عزوجل روایت کرد، و من هرگاه برای تو حدیث می گویم با چنین سندی است!^(۳۳)

۲- امام صادق(ع) فرمود: حدیث من حدیث پدرم و حدیث پدرم حدیث جدم و حدیث جدم حدیث حسین و حدیث حسین حدیث حسن و حدیث حسن حدیث علی و حدیث علی حدیث

توجه به آنان به سوی فرزندش محمدبن علی امام باقر(ع) رو کرد و فرمود: ای محمد! این صندوق را به خانه ات ببر، سپس فرمود: آگاه باشید! در آن هیچ گونه طلا و نقره ای نیست ولی انباشته از علم است. امام سجاد(ع) که از دنیا رفت برادران امام باقر(ع) به او گفتند: سهم ما را از آن صندوق بپرداز! امام فرمود: به خدا سوگند شما در آن سهمی ندارید، چه اگر چیزی برای شما در آن بود، پدرم آن را به من نمی سپرد! در آن صندوق، سلاح رسول خدا و کتابهای او بود.^(۳۴)

۶- درباره امام موسی بن جعفر(ع) در روایت دیگری چنین آمده است: امام صادق(ع) به یکی از یاران خود به نام «مفضل بن عمر» فرمود: آیا از دیدن صاحب کتاب علی(ع) خشنود می شوی؟ او گفت: بهتر از این چیست؟ امام(ع) با اشاره به امام کاظم(ع) فرمود: او این است که صاحب کتاب علی است.^(۳۵)

۷- درباره امام رضا(ع) در روایتی است که امام کاظم(ع) به علی بن یقظین فرمود: ای علی! این داناترین فرزندان من است و من کتابهای خود را به او بخشیدم، و با دست به فرزندش امام رضا(ع) اشاره کرد.^(۳۶)

مراجعه امامان اهل بیت(ع) به کتاب جامعه: در کتاب های استبصار و تهذیب و کافی و من لایحضره الفقیه که مدارک کتاب های فقهی ما هستند، روایاتی است که امامان اهل بیت(ع) پاسخ پرسش کنندگان را از کتاب علی(ع) داده اند، اینک بعضی از آن روایات ها:

۱- امام صادق(ع) از پدرش روایت کرده که فرمود: در کتاب علی(ع) خواندم که رسول خدا(ص) بین مهاجرین و انصار و هر کس از اهل یثرب که به آنان پیوندند، پیمان نامه منعقد فرمود.^(۳۷)

۲- امام صادق(ع) فرمود: در کتاب علی(ع) راه ثبوت اول ماه، با دیدن هلال و بیان وقت فضیلت ظهر آمده است.^(۳۸)

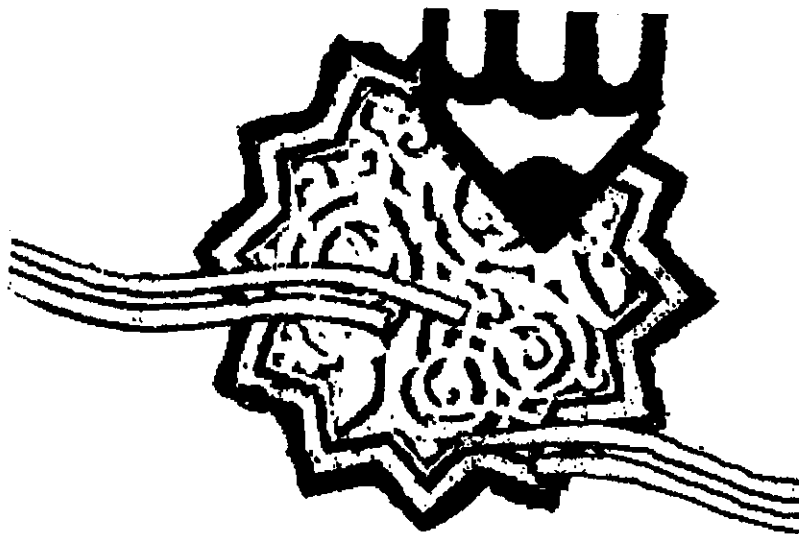
۳- و نیز فرمود: در کتاب علی(ع) انواع ماهیانی که خوردن آنها حرام است بیان گردیده.^(۳۹)

کسانی که «جامعه» را دیده اند.

امامان اهل بیت(ع) کتاب «جامعه» را به تعدادی از یاران خویش نشان داده اند که عبارتند از:

۱- ابویصیر، او می گوید: امام باقر(ع) صحیفه ای را که در آن حرام ها و حلال ها و احکام ارث آمده بود به من نشان داد، عرض کردم: این چیست؟ فرمود: این املائی رسول خدا(ص) با دستخط علی(ع) است.^(۴۰)

۲- محمدبن مسلم، او گفته است: ابوجعفر امام باقر(ع) بخشی از کتاب علی(ع) را در اختیارم گذاشت تا بخوانم^(۴۱) و . . .



کتاب کافی را که مشهورترین کتاب حدیثی آنان است مورد بررسی قرار داده و نتیجه بررسی های خود را چنین بیان داشته اند:

در کافی حدیث صحیح، حدیث حسن، حدیث موق، حدیث قوی و حدیث ضعیف هست حدیث قوی در اصطلاح فقهای ما حدیثی است که از کتابهای برادرانمان در مکتب خلفا روایت کرده اند.

این نتیجه بررسی اسناد کافی مشهورترین کتاب حدیثی است که پس از بررسی گفته اند: حدیث ضعیف در آن است.^(۴۲) پس جز کتاب خدا هیچ کتابی صدرصد نزد ما صحیح نیست، ما همه کتاب های حدیثی را از جهت سند و متن بررسی می کنیم و براساس آنچه در کتاب های علم

رسول الله(ص) و حدیث رسول الله(ص) سخن خدای عزوجل می باشد^(۴۳) و بدین سبب بود که امام صادق(ع) به حفص بختری که به امام(ع) عرض کرد: ما از شما حدیث می شنویم ولی نمی دانیم از شخص شماست یا از پدرتان؟ فرمود: هر چه از من شنیدی از پدرم روایت کن! هر چه از من شنیدی از رسول الله(ص) روایت کن.^(۴۴)

آری، ائمه اطهار خود اینگونه به کتاب «جامعه» مراجعه می کردند و اصحاب آنان نیز اصول حدیثی را از امامان گرفتند و نوشتند و کتاب های چهارگانه حدیثی شیعه از آن اصول گرفته شده است. آنها را اصول اربعانه می گفتند به سبب آنکه شماره آن اصول چهار صد اصل شده

- ۱- اصول الکافی ۱/ ۵۸
- ۲- بصائر الدرجات تألیف محمد بن حسن صفار متوفی ۲۹۰ هـ ج ۱۲۸۵ ص ۳۰۱ و معالم المدرستین ج چهارم ۳۱۲/۲
- ۳- همان مدرک
- ۴- همان مدرک ص ۲۹۹ و معالم المدرستین ۳۱۲/۲
- ۵- بصائر الدرجات ص ۳۰۱ و معالم المدرستین ۲/ ۳۱۲
- ۶- همان مدرک
- ۷- همان مدرک ص ۲۹۰ و وسائل الشیعة ۳/ ۳۹۱ و مستدرک و وسائل ۳/ ۱۱۹۲ به نقل از تفسیر عیاشی
- ۸- همان مدرک و معالم المدرستین ۳۱۴/۲
- ۹- همان مدرک ص ۱۹۸ و معالم المدرستین ۳۱۴/۲
- ۱۰- همان مدرک ص ۱۹۷ و معالم المدرستین ۲/ ۳۱۵
- ۱۱- طبقات ابن سعد بخش معرفی امام علی (ع) ۲/ ۳۳۷ ج بیروت ۲/ ۲/ ۱۰۱ ج اروپا و احمد بن حنبل نیز در کتاب - خطی - خود فضایل امام علی (ع) این روایت را آورده است
- ۱۲- همان مدرک
- ۱۳- همان مدرک
- ۱۴- سنن نسائی ۱/ ۱۷۸ باب تنحیح در نماز و مستند احمد ۱/ ۸۵
- ۱۵- همان مدرک، و مستند احمد ۱/ ۱۰۷
- ۱۶- همان مدرک و سنن ابن ماجه حدیث ۳۷۰۸
- ۱۷- امالی شیخ طوسی متوفای ۴۶۰ و بصائر الدرجات ص ۱۶۷ و منابع المودة شیخ سلیمان حنفی متوفای ۱۲۹۴ ص ۲۰
- ۱۸- کافی ۱/ ۲۴۱، آن صحیفه طومار مانند بوده است
- ۱۹- کافی ۱/ ۲۳۹ و بصائر الدرجات ۱۵۱ و ۲۵۲ حدیث طولانی است و تنها بخشی از آن را آوردیم. مقصود از ذراع رسول الله (ص)، مقیاس اندازه گیری طول در عصر پیامبر بوده است
- ۲۰- کافی ۱/ ۲۴۱ و بصائر الدرجات ص ۱۵۳
- ۲۱- کافی ۱/ ۵۷ و بصائر الدرجات ص ۱۴۶-۱۴۹
- ۲۲- بصائر الدرجات ص ۱۶۲
- ۲۳- غیبت شیخ طوسی چاپ تبریز ۱۳۲۳ هـ و مناقب ابن شهر آشوب ۱/ ۱۷۲ و بحار الانوار ۱۸/ ۴۶ و کافی ۱/ ۳۰۴ و اعلام الوری ص ۱۵۲
- ۲۴- کافی ۱/ ۳۰۵ و اعلام الوری ص ۲۶۰ و بصائر الدرجات ص ۴۴ و بحار ۴۶/ ۲۲۹ و وافی ۲/ ۸۳
- ۲۵- غیبت نعمانی ص ۱۷۷ و بحار ۴۸/ ۲۲
- ۲۶- بصائر الدرجات ص ۱۶۴ و ارشاد ص ۲۸۵ و وافی ۲/ ۸۶
- ۲۷- کافی ۲/ ۶۶۶ و ۳/ ۳۳۶ و ۴/ ۳۰-۳۱ و وسائل الشیعة ۸/ ۴۸۷ و ۱۱/ ۵۰
- ۲۸- استبصار ۳/ ۶۳ و وسائل الشیعة ۷/ ۱۸۴
- ۲۹- کافی ۶/ ۲۱۹-۲۲۰ و ۷/ ۱۱۲ و تهذیب ۹/ ۲ و وسائل ۱۷/ ۵۲۲
- ۳۰- بصائر الدرجات ص ۱۴۴
- ۳۱- الکافی
- ۳۲- بصائر الدرجات ص ۱۶۲
- ۳۳- امالی مفید، ص ۴۲
- ۳۴- کافی ۱/ ۵۲ و ارشاد مفید، ص ۲۵۷
- ۳۵- وسائل الشیعة ۱۸/ ۳۴ حدیث ۳۳۳۱۵
- ۳۶- رجوع شود به کتاب معالم المدرستین ج ۳/ ۳۴۳
- ۳۷- صحیح بخاری کتاب علم باب گناه کسی که بر پیامبر (ص) دروغ بزند ۲۱/ و کتاب جنائز باب کراهت زاری بر میت ۱/ ۱۵۶ و صحیح مسلم کتاب زهد ۴/ ۲۲۹۹
- ۳۸- کافی ۱/ ۶۹
- ۳۹- همان مدرک

شافعی و احمد بن حنبل) رها کرده اند، پس باب علم و باب اجتهاد نزد ما گشوده است و در هیچ یک از دوران‌ها بسته نشده است و این به معنای آن نیست که ما بزرگان گذشته مان را بزرگ نداشته و احترامشان را نگه نمی‌داریم، خیر، من خود شیخ طوسی را بزرگ شمرده و گرامی اش می‌دارم، ولی شیخ طوسی در کتاب رجال خود نام (قعقاع بن عمرو) را در ردیف صحابه پیامبر (ص) و از شیعیان علی (ع) نوشته است و من در بررسی احوال این شخص به این نتیجه رسیده‌ام که او ساختگی است، و خداوند صحابی‌ای به نام (قعقاع بن عمرو) نیافریده است! و نیز، در آنجا نام صحابی دیگری به عنوان ریب «فرزند زن» رسول الله به نام: (طاهر بن ابی هاله) آمده که من بررسی کرده و آنها را ساختگی یافتم و نام‌های آنان و دیگران را در کتاب (بکصد و پنجاه صحابی ساختگی) آورده‌ام. اینجانب بیش از پنجاه و چند سال است که به بررسی سنت رسول الله و خالص نمودن آن پرداخته و کتاب‌هایی نشر کرده‌ام که هر یک از آقایان علما بخواهند تقدیم می‌کنم تا مطالب مرا نقد نمایند. یکی از تألیفات من «راویان ساختگی» است که هنوز چاپ نشده، و نیز (احادیث اسرائیلیه و غلاة و زنادقه به کجا راه یافته است؟) که در پیرامون آنها بررسی‌هایی انجام داده‌ام.

بنابراین، ما در بحث علمی را بسته و از اخباری‌ها پیروی نمی‌کنیم بلکه احادیث آنان را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

آخرین نکته که می‌خواهم بگویم این است: که صحیح نیست هر حدیثی را که از رسول الله (ص) روایت شده ما آن را صحیح بدانیم و نتوانیم مورد نقد و بررسی قرار دهیم! این صحیح نیست.

رسول الله (ص) خود چنانکه در حدیث متواتر آمده، فرموده: هر کس بر من دروغ بزند جایگاه خود را در آتش برگزیند (۳۷). خوب! ما چه باید بکنیم؟ ناچاریم آن را بر کتاب خدا عرضه بداریم، و چرا چنین نکنیم و حدیث را بر کتاب خدا عرضه نکنیم در حالی که فرموده‌اند: هر چه با کتاب خدا موافق آمد صحیح و هر چه مخالف شد دروغی است که بر رسول خدا بسته‌اند! (۳۸)

این همه احادیث متناقض موجود در کتاب‌های حدیثی هر دو مکتب را چگونه چاره‌جویی نمائیم؟! اولین راه چاره این است که ببینیم آیا با آنچه در کتاب خدا آمده مخالف است یا خیر، که اگر مخالف بود آن را به دیوار بگویم (نپذیریم)، زیرا امامان اهل بیت (ع) به ما فرموده‌اند: هر گاه حدیثی را از قول ما برای شما روایت کردند و با کتاب خدا مخالف بود آن را به دیوار بگویند. (۳۹)

راستی که شایسته آن است اینگونه عمل نمائیم. و این معنای عرضه حدیث بر کتاب خدا است.

*** در طبقات ابن سعد آمده که به امام علی (ع) گفته شد چگونه است تو از سایر صحابه رسول خدا بیشتر حدیث می‌گویی؟ فرمود: من چنان بودم که اگر از پیامبر (ص) می‌پرسیدم آگاهم می‌کرد، و اگر ساکت می‌شدم او خود شروع می‌فرمود.**

درایه (فهم حدیث) معین شده به تقسیم‌بندی احادیث آنها می‌پردازیم، و این نزد علمای ما مشهور است.

آری، حوزه‌های علمیه مکتب اهل بیت (ع) باب بحث علمی را در هیچ یک از دوران‌ها بسته‌اند، بلکه تلاش همیشگی آنان در طول تاریخ بر آن بوده تا حدیث را از دو جنبه سند و متن مورد بحث قرار دهند:

۱- حفظ و نگهداری نصوص روایات بیان‌کننده احکام، زیرا روایاتی که احکام اسلام را بیان می‌کنند بیش از هزار سال است که در این مکتب مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند، در حالی که روایات تفسیر و اخلاق و دعا و سیره این چنین مورد بحث و تحقیق واقع نشده‌اند، نه در مکتب اهل بیت (ع) و نه در مکتب برادرانمان جز احادیث احکام سایر احادیث تحقیق نشده‌اند. پس تلاش مستمر ما در نگهداری نص احادیث احکام، همیشگی و مفید بوده است.

۲- طرح بحث‌های علمی پیرامون احادیث و متن آنها و منطوق و مدلول هر یک، فقهای ما، در بحث‌های علمی را چنانکه بر برادران ما در مکتب خلفا بسته شده، هرگز بسته‌اند. برادران ما به آنچه دو شیخ بزرگ اهل حدیث (بخاری و مسلم) گرد آورده‌اند، اعتماد کرده و درایت حدیث را پس از آن ترک گفته‌اند، چنانکه اجتهاد را نیز، بعد از امامان چهارگانه: (ابوحنیفه و مالک و